

دستور سفر عون به آمریکا، از تثبیت آتش‌بس تا خلع سلاح حزب‌الله را شامل می‌شود؛

بازطراحی معادله جنوب لبنان در واشنگتن



رامین بروتو

بحران چندضلعی خاورمیانه وارد مرحله‌ای تازه شده‌است که در آن، پرونده‌ایران اگر چه همچنان یکی از محورهای اصلی محاسبات ایالات متحده و اسرائیل محسوب می‌شود، اما هم‌زمان پرونده‌های دیگری نیز در دستور کار واشنگتن قرار گرفته‌اند. در این میان، لبنان و آینده معادلات سیاسی، امنیتی و نظامی جنوب‌این کشور جایگاهی ویژه پیدا کرده‌است. سفر جوزف عون، رئیس‌جمهور لبنان، به واشنگتن و دیدار او بادونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، مارکوروپیووزیر امور خارجه، و دیگر مقام‌های سیاسی و امنیتی این کشور را باید در همین چارچوب ارزیابی کرد؛ سفری که در ظاهر باهدف تقویت آتش‌بس، تثبیت حاکمیت دولت‌لبنان و پیگیری عقب‌نشینی نیروهای اسرائیلی از مناطق اشغالی انجام شده، اما در سطحی عمیق‌تر، بخشی از تلاش آمریکا برای بازتنظیم نظم سیاسی و امنیتی لبنان و جنوب‌این کشور است.

در این میان، دیدار عون با روبیو از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. وزارت خارجه آمریکا اعلام کرده‌است که دو طرف در باره اجرای «چارچوب سه‌جانبه» گفت‌وگو کرده‌اند و روبیو از دولت لیبنان به دلیل آنچه تلاش برای بازپس‌گیری حاکمیت، خلع سلاح حزب‌الله و حرکت به سوی صلح‌خواهنه شده، تقدیر کرده‌است. همین ادبیات نشان می‌دهد که واشنگتن، بر خلاف روایت رسمی بیروت که بر تثبیت آتش‌بس و خروج

نیروهای اسرائیلی تأکید دارد، مسئله خلع سلاح حزب‌الله را یکی از محورهای اصلی سیاست خود در

لبنان می‌داند.

از سوی دیگر، عون پیش از سفر به واشنگتن با نیبیه بری، رئیس پارلمان لبنان، تماس گرفته و درباره اصول موضع لبنان را ابزنی کرده بود. بری نیز بر دو موضوع اساسی یعنی تحکیم آتش‌بس و خروج کامل نیروهای اسرائیلی از سزمین‌های اشغالی جنوب لبنان تأکید کرده است. این موضع‌گیری نشان می‌دهد که در داخل لبنان، دست‌کم در سطح رسمی، اولویت نخست همچنان پایان اشغال و تثبیت حاکمیت دولت بر سراسر خاک کشور است.

آزمون حاکمیت لبنان ومدیریت فشار آمریکا
اهمیت سیاسی سفر جوزف عون به واشنگتن را نمی‌توان صرفاً در سطح یک دیدار دیپلماتیک معمولی ارزیابی کرد. این سفر در شرایطی انجام شده که لبنان با مجموعه‌ای از فشارهای هم‌زمان مواجه است. از یک سو، اسرائیل همچنان در بخش‌هایی از جنوب لبنان حضور دارد و از عقب‌نشینی کامل خودداری می‌کند؛ از سوی دیگر، دولت لبنان با فشار آمریکا برای گسترش اقتدار نهادهای رسمی و محدود کردن نقش نظامی حزب‌الله مواجه است. در چنین شرایطی، عون تلاش دارد واشنگتن را به استفاده از نفوذ خود برای وادار کردن اسرائیل به عقب‌نشینی متقاعد کند.

است. اما خودداری اسرائیل از عقب‌نشینی کامل از برخی مناطق، اجرای این روند را با سامع مواجه کرده است. به همین دلیل، سفر عون به واشنگتن از منظر نظامی نیز اهمیت دارد؛ زیرا ارتش لبنان برای گسترش حضور خود در جنوب به حمایت سیاسی، مالی و تسلیحاتی آمریکا نیازمند است و عون نیز خواستار تقویت حمایت واشنگتن از ارتش و نهادهای نظامی لبنان شده‌است.

نگاه اسرائیل:عقب‌نشینی در برابر امتیاز کبری

از منظر اسرائیل، سفر جوزف عون به واشنگتن می‌تواند فرصتی برای افزایش فشار بر دولت لبنان باشد. تل‌آویودر شرایط کنونی تلاش می‌کند مسئله جنوب لبنان را از یک موضوع صرفاً مرزی و امنیتی به بخشی از یک پروژه بزرگ‌تر برای تغییر معادله قدرت در لبنان تبدیل کند. در این چارچوب، تقویت ارتش لبنان و گسترش حاکمیت دولت مرکزی، در صورتی که با محدود شدن توان نظامی حزب‌الله همراه شود، می‌تواند از نگاه اسرائیل یک تحول مطلوب باشد. با این حال، مسئله اصلی در محاسبات اسرائیل آن است که آیا باید از مناطق جنوبی عقب‌نشینی کند یا حضور خود را به‌عنوان اهرم فشار حفظ کند. گزارش‌های مطرح‌شده درباره مخالفت بنیامین نتانیاهاو با جدول زمانی مشخص برای خروج و تلاش برای ایجاد مواضع ثابت در مناطق مرزی، نشان می‌دهد که اسرائیل ظاهر آفقدن‌دار بدون دریافت تضمین‌ها و امتیازات مورد نظر خود، به‌سرعت از جنوب لبنان خارج شود.

در این میان، نقش ترامپ تعیین‌کننده است؛ اگر چه پیش‌تر بر عدم‌مداخله اسرائیل در لبنان تأکیدشده، اما مشخص نیست این موضع تا چه اندازه به‌اعمال فشار واقعی بر دولت نتانیاها منجر خواهد شد. اگر واشنگتن واقعاً خروج اسرائیل را در اولویت قرار دهد، عون می‌تواند دستاوردی مهم برای دولت خود کسب کند؛ اما اگر خروج اسرائیل به امتیازات سیاسی و امنیتی از سوی لبنان مشروط شود، سفر واشنگتن ممکن است به‌نقطه آغاز فشارهای جدید بر ساختار سیاسی لبنان تبدیل شود. به همین دلیل، نگاه اسرائیل به سفر عون را باید دوگانه دانست.

خلع سلاح حزب‌الله و توافق ابراهیم؟!‌

یکی از مهم‌ترین پرسش‌ها در باره سفر جوزف عون به واشنگتن این است که آیا فشارهای ترامپ می‌تواند در نهایت لبنان را به سمت خلع سلاح حزب‌الله و حتی پیوستن به توافق ابراهیم سوق دهد یا خیر؟ پاسخ به این پرسش نیازمند تفکیک دو موضوع است. از یک سو، خروج سلاح حزب‌الله، فشار آمریکایی می‌تواند افزایش پیدا کند. اظهارات روبیو نشان می‌دهد که واشنگتن مسئله خلع سلاح حزب‌الله را بخشی از تعریف خود از بازگشت حاکمیت لبنان می‌داند. همچنین تقویت ارتش لبنان و حمایت از نهادهای

خبر

فشار ترامپ برای نزدیک کردن لبنان به روند عادی‌سازی با اسرائیل، از منظر سیاست منطقه‌ای آمریکا قابل تصور است اما تحقق آن در کوتاه‌مدت بسیار دشوار به نظر می‌رسد، چرا که لبنان با توجه به وضعیت داخلی، حضور حزب‌الله، حساسیت افکار عمومی و مسئله اشغال بخش‌هایی از خاک خود، هیچ آمادگی برای ورود مستقیم به چنین روندی دارد

رسمی این کشور می‌تواند در بلندمدت به معنای ایجاد موازنه‌ای جدید در برابر حزب‌الله باشد. اما تبدیل این سیاست به خلع سلاح کامل حزب‌الله، به‌سادگی امکان‌پذیر نیست. حزب‌الله همچنان یک بازیگر مهم سیاسی و اجتماعی در لبنان است و موضوع سلاح آن با معادلات داخلی، امنیت مرزی و مسئله اسرائیل گره خورده است. تا زمانی که اسرائیل در بخش‌هایی از جنوب لبنان حضور داشته باشد، استدلال حزب‌الله درباره ضرورت حفظ توان بازدارندگی، همچنان در بخشی از فضای سیاسی لبنان مطرح خواهد بود. بنابر این، واشنگتن اگر بخواهد خلع سلاح حزب‌الله را به‌صورت فوری و اجباری دنبال کند، ممکن است با مقاومت سیاسی و اجتماعی گسترده‌ای مواجه شود و حتی ثبات داخلی لبنان را به خطر بیندازد.

در مورد توافق ابراهیم نیز شرایط پیچیده‌تر است. فشار ترامپ برای نزدیک کردن لبنان به روند عادی‌سازی روابط با اسرائیل، از منظر سیاست منطقه‌ای آمریکا قابل تصور است؛ اما تحقق آن در کوتاه‌مدت بسیار دشوار به نظر می‌رسد. لبنان با توجه به وضعیت داخلی، حضور حزب‌الله، حساسیت افکار عمومی و مسئله اشغال بخش‌هایی از خاک خود، هیچ آمادگی برای ورود مستقیم به چنین روندی دارد. از این منظر، محتمل‌ترین سناریو آن است که واشنگتن در مرحله نخست بر تثبیت آتش‌بس، تقویت ارتش لبنان، گسترش حاکمیت دولت و محدود کردن تدریجی نقش نظامی حزب‌الله تمرکز کند. سپس، در صورت تغییر شرایط میدانی و سیاسی، موضوعات بزرگ‌تری مانند عادی‌سازی روابط مطرح شود.

در نهایت، نتیجه اصلی سفر جوزف عون به واشنگتن به نحوه مدیریت یک معادله سه‌جانبه بستگی دارد؛ به گونه‌ای که واشنگتن خواهان تقویت دولت مرکزی و محدود شدن حزب‌الله است؛ اسرائیل خواهان تضمین‌های امنیتی و جلوگیری از بازگشت توان نظامی حزب‌الله در جنوب است؛ و لبنان تلاش می‌کند ضمن حفظ آتش‌بس و جلوگیری از جنگی جدید، اسرائیل را به عقب‌نشینی کامل وادار کند.

خبر

مسکو: آلمان یک سال تا ساخت بمب اتم فاصله دارد!

خارجی روسیه در این بیانیه با عنوان «مارپیچ شوم تاریخ» افزوده است: این تلاش‌های برلین با توجه به سابقه نظامی آلمان و برنامه اعلامی دولت این کشور برای بازگرداندن ارتش آلمان به جایگاه قوی‌ترین در اروپا، نگران‌کننده است. در این بیانیه آمده است: «این احتمال وجود دارد که ذهن‌های تپ‌آلود مقامات صدر اعظم آلمان از قیل در حال تصور ایجاد سیر دفاعی هسته‌ای خود باشند». سرویس اطلاعات خارجی روسیه در ادامه تصریح کرد: با توجه به احساسات انتقام‌جویانه در برلین، قصد مقامات فغلی آلمان برای دسترسی مستقیم به سلاح‌های هسته‌ای، نگرانی شدیدی را در اروپا ایجاد کرده است. در ادامه این بیانیه آمده است: نتیجه تجربه آلمان نازی در تاریخ و برافروختن جنگ جهانی، کلاً برای همگان شناخته شده است. آیا کشورها نمی‌خواهند از تاریخ درس بگیرند؟ ایسن در بیانیه در حالی صادر شده که همچنان تقابل روسیه و آلمان در قبال پرونده اوکراین به یک موضوع جنجالی از سال گذشته میلادی تبدیل شده و حالا سطح آن از وضعیت سیاسی به چنین نقطه کشانده شده است.



منفجره پراثری و سیستم‌های انفجار الکترونیکی اشاره کرده‌اند. در این گزارش آمده است: شرکت‌های کلیدی نظامی-صنعتی آلمان در این فعالیت‌ها مشارکت دارند و مباد و تجهیزات تولیدی در سایت‌های آزمایشی ارتش این کشور آزمایش می‌شوند. بنا بر این اطلاعاتی که سرویس اطلاعات خارجی روسیه می‌گوید به آنها دسترسی داشته است، کارشناسان نظامی ناتو معتقد هستند که آلمان قادر است به‌طور مستقل مواد شفاف‌پذیر لازم را ظرف یک تا سه ماه تولید کند و ظرف یک سال بدون انجام آزمایش کامل، یک بمب هسته‌ای بسازد. سرویس اطلاعات

خلیل الحیه جانشین السنوار و رئیس دفتر سیاسی حماس شد

آورده است. این جنبش همچنین از خداوند مسألت کرد خلیل الحیه را در برعهده گرفتن مسئولیت یاری کند و به تلاش‌های او در مسیر خدمت به ملت و آرمان فلسطین برکت بخشد. همچنین جنبش جهاد اسلامی فلسطین با صدور بیانیه‌ای، انتخاب دکتر خلیل الحیه به عنوان رئیس جدید دفتر سیاسی جنبش مقاومت اسلامی حماس را تبریک گفت و اعلام کرد موفقیت حماس در برگزاری انتخابات داخلی و انتخاب

رئیس جدید دفتر سیاسی پس از ترور یحیی السنوار، با وجود شرایط پیچیده و تداوم تعرض‌های اسرائیل، پیامی قدرتمند برای این رژیم است. جهاد اسلامی تأکید کرد این انتخابات نشان دهنده جنبش حماس همچنان قدرتمند و منسجم است و دشمن نتوانسته به عزم، اراده و استواری آن آسیبی وارد کند.

جنبش حماس اعلام کرد خلیل الحیه به عنوان رئیس دفتر سیاسی حماس در غزه به جای یحیی السنوار انتخاب شد. یحیی السنوار در حملات اسرائیل به نوار غزه طی جنگ ویرانگر غزه ترور شد. اسرائیل یحیی السنوار را مهندس عملیات طوفان الاقصی می‌دانست که منجر به شکست‌های اعضا و نهادهای این جنبش را به دست

جهان نما

انصارالله: «محاصره دریایی» عربستان آغاز شد

هم‌زمان با اعلام صنعا مبنی بر فعال‌سازی معادله «محاصره در برابر محاصره» و اظهارات عبدالملک الحوثی، رهبر انصارالله یمن مبنی بر اینکه عربستان مسئولیت گرسنگی مردم یمن را برعهده دارد، نگرانی‌های ریاض درخصوص احتمال بسته شدن تنگه باب‌المندب به روی کشتی‌های عربستان افزایش یافته است.

خبرگزاری رویترز به نقل از منابع عربستانی گزارش داد که ریاض این تهدید را جدی تلقی می‌کند و اذعان دارد که صنعا از توانمندی‌های نظامی قابل توجهی برای مسدود کردن این تنگه راهبردی برخوردار است؛ ابزاری که اهمیت کشتیرانی در آن، در سایه تنش‌های ژئوپلیتیک پیرامون تنگه هرمز دوچندان شده است.

طبق گزارش‌ال اخبار لبنان، به نظر می‌رسد در صورتی که رهبران از برآورده کردن خواسته‌های بشر دوستانه مطرح‌شده توسط جنبش انصارالله یمن خودداری کند، نیروهای صنعا از برگ برنده باب‌المندب به عنوان بخشی از معادله بازدارندگی که اخیراً توسط این جنبش ترسیم شده است، استفاده خواهند کرد. رهبری انصارالله تهدید کرده است که در صورت عدم رسیدگی به این مطالبات، به جنگی تمام‌عیار با عربستان روی خواهد آورد. طی روزهای گذشته، چندین تن از اعضای دفتر سیاسی این جنبش با صدور هشدارهای مکرر، تلویحا اعلام کرده‌اند که صنعاگزیننه بستن تنگه باب‌المندب و مسدود کردن مسیر کشتی‌های عالم‌بنادر عربستان را در گزینه‌های نبرد برای شکستن محاصره قرار داده است.

علاوه بر این گزیننه، امکان مسدود کردن مسیر نفتکش‌های عربستان نیز وجود دارد؛ اقدامی که در صورت وقوع، نخستین مورد از نوع خود از زمان آغاز جنگ یمن در سال ۲۰۱۵ خواهد بود. در صورت تحقق این سناریو، اقتصاددانان در صنعا پیش‌بینی می‌کنند که قیمت نفت به بیش از ۱۵۰ دلار در هر بشکه جهش خواهد کرد.



آن‌ها خاطر نشان می‌کنند که توقف صادرات نفت عربستان که حجم آن از هفت میلیون بشکه فراتر می‌رود و از طریق خط لوله «شرق-غرب» از «اسحاق شرقی» عربستان به بندر «نبع» در ریای سرخ منتقل می‌شود، تأثیری مستقیم بر بودجه ملی عربستان خواهد داشت؛ بودجه‌ای که با درآمدهای حاصل از فروش ماهانه نفت به ارزش میلیارد هاد دلار تأمین می‌شود. ایسن اهرم همچنین بحران عرضه را تشدید خواهد کرد به‌ویژه با توجه به اینکه عربستان یکی از صادرکنندگان عمده نفت در جهان است چرا که توقف صادرات آن حتی برای چند روز می‌تواند به بروز تنش‌ها و جهش قیمت‌ها در بازارهای جهانی نفت منجر شود.

پیامدهای این تشدید تنش تنها به صادرات نفت از بندر ینبع که در ماه‌های اخیر به عنوان یک کانون صادراتی امن عمل کرده است، محدود نخواهد ماند بلکه زنجیره‌های تأمین منتهی به بندر جدّه را نیز در بر خواهد گرفت. جدّه نیز در جریان درگیری کنونی میان ایالات متحده و ایران، به یک مرکز لجستیک حیاتی و جایگزینی دریایی و کلیدی برای تنگه هرمز بدل شده است. هر گونه اختلال در فعالیت‌های کشتیرانی در بنادر جدّه که حدود ۷۰ درصد از واردات عربستان را مدیریت می‌کند و به دلیل بسته شدن تنگه هرمز، به مقصدی جایگزین برای محموله‌های غارم‌بنادر تعدادی از کشورهای همکاری خلیج فارس به ویژه قطر، کویت و بحرین تبدیل شده‌اند، تأثیری چشمگیر بر ثبات عرضه کالا و محصولات در آن بازارها خواهد داشت و هم‌زمان، بخش‌های تولیدی و فضای سرمایه‌گذاری عربستان را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد.

صنعا که پیشتر از فعال‌سازی معادله «بندر در برابر بندر» خبر داده بود، مختل کردن عملیات در بنادر سعودی ینبع و جدّه را نیز در فهرست اهداف احتمالی خود برای محاصره دریایی گنجانده است. با توجه به حساسیت راهبردی تنگه باب‌المندب که پیوندی حیاتی میان آسیا و اروپا ایجاد کرده و سومین گذرگاه دریایی مهم برای کشتیرانی بین‌المللی محسوب می‌شود و حدود ۱۴ درصد از تجارت جهانی و ۳۰ درصد از تردد کانتینری از آن می‌گذرد، شواهد حاکی از آن است که صنعا احتمالاً معادله محاصره در برابر محاصره را تنها بر کشورهای متخاصم تحمیل خواهد کرد.

در همین راستا، چندین منبع سیاسی در صنعا تأکید کرده‌اند که هر کشوری که به فهرست کشورهای شرکت‌کننده در محاصره یمن بپیوندد یا در هر گونه ائتلاف خصمانه به رهبری عربستان مشارکت کند، ممکن است با احتمال مسدود شدن کشتی‌های غارم‌بنادر خود در دریای سرخ و تنگه باب‌المندب مواجه شود؛ اقداماتی که در چارچوب حق دفاع مشروع قرار می‌گیرد.

به گفته یک منبع اقتصادی مطلع در صنعا معادله بندر در برابر بندر به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای شکستن محاصره تحمیل‌شده بر بندر الحدیده و سایر بنادر یمن از جمله بنادر تحت کنترل گروه‌های مورد حمایت ریاض در استان‌های جنوبی تلقی می‌شود.

این منبع در گفتگو با الاخبار تأکید کرد معادله مذکور نگرانی‌هایی را برای طرف سعودی ایجاد کرده است چرا که ریاض در کمپین اقدامی می‌تواند اقتصاد عربستان را به‌طور کامل فلج کند. ریاض که با اعمال محاصره و جنگ اقتصادی علیه یمن، رنج و مشقت بسیاری را برای میلیون‌ها یمنی رقم زده است حتی برای چند هفته هم تحمل این معادله را نخواهد داشت و باید بداند که هزینه آن گراف خواهد بود.

با ایلنا همراه شوید

خبرگزاری کار ایران «ایلنا»